

کلاماً و بدان شود و کلی مستغنیست از تفصیل پس  
 اینجا مطلوب کمال استی باشد و این کمال مشروط  
 بر عالم تفصیلاً و منوط بر آدم اجالا بعد تفصیل  
 و نیز ذات من حیث الایثار و الصفات مقتضی  
 آن بود که چنانکه خود را بر خود مجلا جلوه کرد مفضلاً  
 نیز جلوه کند که این جلوه کمال دیگرست چنانکه جدا  
 و حضور و نور و شهود ذات را فی نفساً مجلا  
 حاصل است مفضلاً نیز حاصل شود و مفضلاً حاصل  
 نمی شود الا بنمیه حقایق بعضاً عن بعض و بیوت  
 حکم غیرت نیز و توبیخه ما در آن حضرت آن نمیه و نیز  
 اصلاً راه نیست پس کمال مذکور که مطلوب بود و در  
 شد بر تین و بجلی دیگر پس بنمیه دیگر بجلی کرد و این بجلی  
 از بجلی بر طرف نفسی مثبت از منفی ظاهر گشت  
 که بان اثبات جمیع حقایق الهی و کونی و انسانی  
 از یکدیگر متمیسه شدند و جمیع آنچه در صدر تفصیل بودند  
 در بجلی ثانی بدید آمدند بوزنیت و این نفس بر طرف  
 ابری رفیق که اندکی فرض آفتاب را بپوشاند آفتاب

احدیت را بطور خوشتر اندکی بپوشاند و این از بی  
 صلی الله علیه و سلم سوال کردند که این نشان رتبا قبل از  
 بخلق الخلق قال کان فی عماره فوقه هوا آ و ما تختم هوا آ  
 اشارت بدین مرتبه است و فاعده چنانست که ظاهر ابر  
 بر فون و تحت هوای باشد هو را فی فرمود کردن فی قوله  
 ما فوقه هوا آ و ما تختم هوا آ تا سائل از عا این ابر ظاهر را اتم  
 نکند زیرا که این مرتبه را عا از جهت آن خوانند که آفتاب  
 وجود حقیقی را بظهور خود اندکی مخفی می گرداند چنانکه  
 در ظاهر این ابر که اندکی فرض آفتاب را مخفی می گرداند  
 و این مرتبه را تین و بجلی ثانی و اسم الله و مرتبه اولی و بیوت  
 و تکلیف الیه و عالمی گویند و چون ثانی مرتبه وجودیت  
 حرف ب نیز می گویند و در بنمیه که این مسطور صادر  
 می شد در خواب دیده شد که شخصی از کمال روایت می کرد  
 آن حرف ب بودی خلق حق را سخنان می دیدیدی  
 و معنی حرف ب پیش اهل اسرار است و سبب حجاب  
 سبب چنانکه دلیل حجاب است مراد لول خویش را و وضع  
 که جایست مرصع را و آنچه از وجهی دیگر مرصع است